

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

محمد شریف منصور

۲۶ جولای ۲۰۲۲



شریف منصور

زندگینامه حضرت محمد مصطفی (ص)

(بخش هفدهم)

در بخش گذشته، دیدیم که قریش، توافقنامه صلح و آتش بس را نقض کردند و بیست تن از اعضای قبیله بنی خزاعه را که هم پیمان پیامبر (ص) بودند، کشتند و پیامبر سپاهی ده هزار نفره برای جنگ با قریش آماده کرد و اقداماتی را انجام داد که قریش از این لشکرکشی باخبر نشوند. تدابیر آن حضرت کاملاً کارساز بود و قریشی ها تا زمانی که پیامبر و سپاه اسلام به نزدیکی مکه رسیدند از این موضوع مطلع نشدند. [۱] در مسیر راه پیامبر (ص) سگ ماده ای را دید که در حال شیر دادن به توله هایش بود و از دیدن سپاه اسلام وحشت زده شده بود، پیامبر یکی از یاران خود را مأمور کرد که در کنار سگ و توله هایش بایستد و نگذارد که کسی از سپاهیان به آن سگ و یا توله های او آسیبی برساند. [۲]

گروهی از یاران پیامبر که آن حضرت آن ها را به عنوان جلودار سپاه گماشته بود در راه جاسوسی از قبیله هوازن را دستگیر کردند. قبیله هوازن از دشمنان پیامبر بودند و زمانی که از لشکرکشی پیامبر با خبر شده بودند جاسوسی را فرستاده بودند که اطلاعاتی در مورد هدف پیامبر از این لشکرکشی کسب کند و دریابد که پیامبر شخصاً به مکه خواهد رفت و یا یکی دیگر از یاران خود را مأمور این کار می کند و این که آیا پیامبر نخست به مکه لشکرکشی خواهد کرد یا به نبرد با قبیله هوازن خواهد پرداخت. پیامبر پس از بازجویی از آن جاسوس، متوجه شد که قبیله هوازن در حال جمع آوری نیرو و تهیه ابزار و آلات جنگی مانند منجیق، برای جنگ با پیامبر هستند و قبیله ثقیف هم به آن ها پیوسته اند [۳] با این وجود پیامبر دستور ادامه پیشروی را صادر کرد. زمانی که پیامبر و سپاه اسلام به نزدیکی مکه رسیدند ابوسفیان به حضور پیامبر آمد و مسلمان شد. پیامبر پیش از ورود به مکه فرمود: هرکس از اهالی مکه که به خانه ابوسفیان برود در امان است و هرکس که به مسجد الحرام برود در امان است و هر کس که در خانه خود بماند و در خانه خود را ببندد در امان است. [۴] پیامبر سپاهیان اسلام را از درگیر شدن با قریشی ها برحذر داشت مگر آن که آن

ها قصد جنگ داشته باشند. [۵] و سپاه را به بخش های مختلف تقسیم کرد و دستور داد که از مسیرهای مختلف وارد مکه شوند. [۶] به استثنای یک بخش از سپاه اسلام، بقیه بخش ها بدون درگیری وارد مکه شدند. آن بخش از مسلمانان که با ساکنان مکه درگیر شدند خالد بن ولید و یاران او بودند که گروهی از مردان قریش راه را بر آن ها بستند و خالد و یاران او هم ناگزیر شدند که با آن ها بجنگند. در این درگیری به روایتی دوازده و یا سیزده نفر [۷] و به قولی بیست و هشت نفر [۸] از قریشی ها کشته شدند. در فتح مکه دو نفر [۹] و یا سه نفر [۱۰] از مسلمانان هم جان هایشان را از دست دادند. پیامبر پس از فتح مکه خطاهایی که تا آن زمان از قریش سر زده بود را بخشید و به آن ها آزاری نرساند. [۱۱] پیامبر حتی مردی به نام هبار که حضرت زینب (دختر پیامبر) را در هنگام بارداری با نیزه زده بود و باعث سقط جنین ایشان شده بود و [۱۲] وحشی، قاتل حضرت حمزه (عموی پیامبر) را هم بخشید اما از او خواست که دیگر هیچ گاه به حضور آن حضرت نیاید. [۱۳] ناگفته نباید گذاشت که پیامبر دستور کشتن ۹ نفر [۱۴] و یا ۱۰ نفر را که چهار نفرشان زن بودند، صادر کرده بود و از این ده نفر، سه نفرشان کشته شدند. [۱۵] آن حضرت بت های اطراف کعبه را شکست [۱۶] و یارانش را برای شکستن بت های مهم دیگر به اطراف شهر مکه فرستاد. [۱۷] پیامبر در همان زمان از وفات حلیمه، دایه اش باخبر شد و از شنیدن این خیر گریه کرد. [۱۸] پس از آن که پیامبر مکه را تسخیر کرد قبیله های هوازن و ثقیف که گفتیم برای جنگ با آن حضرت هم پیمان شده بودند با حرارت زیادتری مشغول آماده کردن قوا شدند و تصمیم گرفتند که پیش از آن که پیامبر برای جنگ با آن ها برود، آن ها به جنگ آن حضرت بیایند. [۱۹] پیامبر با سپاهی که از مدینه برای فتح مکه آورده بود و دو هزار نفر دیگر که تازه به ایشان پیوسته بودند به جنگ با قبیله های هوازن و ثقیف رفت. در راه یکی از جاسوس های دشمن قصد از بین بردن پیامبر را داشت اما موفق نشد و پیامبر او را دستگیر کرد اما از کشتن او چشم پوشید. [۲۰]

سپاهیان دشمن حدودا بیست هزار نفر بودند و فرماندهی آن ها را مالک بن عوف نصری به عهده داشت. مالک برای آن که جنگجویانش از میدان جنگ فرار نکنند به آن ها دستور داده بود که زنان و کودکان شان را هم با خودشان بیاورند. [۲۱]

در دره حنین، دو سپاه با همدیگر روبه رو شدند. در ابتدای جنگ سپاه دشمن با یک حمله منظم و گسترده، نظم سپاه اسلام را از میان برداشت و مسلمانان به استثنای پیامبر و هشتاد الی صد تن از یاران ایشان، که پنج نفرشان زن بودند و یکی از آن زنان، مردان را از فرار بازمی داشت، فرار کردند. پیامبر ثابت قدم ماند و مسلمانانی را که در حال گریز بودند، مجددا فراخواند و شخصاً به سپاه دشمن حمله کرد. [۲۲] مسلمانان هم دوباره برگشتند و به سپاه دشمن حمله کردند و حتی دست به کشتار زنان و کودکان هم زدند اما پیامبر از این کار آن ها باخبر شد و آنان را از کشتن زنان و کودکان برحذر داشت. سپاه دشمن شکست خوردند و ضمن تلفاتی که بر جای گذاشتند شش هزار نفر از آنان اسیر شدند و مالک بن عوف و باقی مانده سپاهیان او فرار کردند. [۲۳] تلفات مسلمانان در این جنگ چهار نفر بود. [۲۴]

ادامه دارد...

پی نوشت ها:

- ۱- سیره رسول الله، ترجمه سیره ابن اسحاق، ویرایش جعفر مدرس صادقی، نشر مرکز، ص ۴۴۰
- ۲- مغازی، محمد بن عمر واقدی، مترجم دکتر محمود مهدوی دامغانی، مرکز نشر دانشگاهی، ج دوم، ص ۶۱۴
- ۳- همان، ج دوم، ص ۶۱۴-۶۱۵
- ۴- سیره رسول خدا، ص ۴۴۴

- ۵-همان، ص ۴۴۷
- ۶-طبقات کبری، محمد بن سعد مترجم دکتر محمود مهدوی دامغانی، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ج دوم، ص ۱۳۳
- ۷-تاریخ طبری، محمد بن جریر طبری، مترجم ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر، ج سوم، ص ۱۱۸۷
- ۸-طبقات، ج دوم، ص ۱۳۴
- ۹-همان، ص ۱۳۴
- ۱۰-تاریخ طبری، ج سوم، ص ۱۱۸۶-۱۱۸۷
- ۱۱-سیره رسول خدا، ص ۴۵۰
- ۱۲-مغازی، ج دوم، ص ۶۵۶
- ۱۳-طبقات، ج دوم، ص ۶۶۰
- ۱۴-تاریخ یعقوبی، احمد بن اسحاق یعقوبی، مترجم محمد ابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، ج اول، ص ۴۱۹
- ۱۵-طبقات، ج دوم، ص ۱۳۳-۱۳۴
- ۱۶-همان، ج دوم، ص ۱۳۴
- ۱۷-مغازی، ج دوم، ص ۶۶۵
- ۱۸-همان، ج دوم، ص ۶۶۴
- ۱۹-مغازی، ج سوم، ص ۶۷۶-۶۷۷
- ۲۰-همان، ج سوم، ص ۶۸۰-۶۸۲
- ۲۱-سیره رسول خدا، ص ۴۶۰-۴۵۹
- ۲۲-مغازی واقعی، ج سوم، ص ۶۸۵-۶۸۹
- ۲۳-طبقات، ج دوم، ص ۱۴۸-۱۴۹
- ۲۴-مغازی، ج سوم، ص ۷۰۳